



قسمت اول

قاچاق و حاشیه‌نشینان شهری

دکتر سیمین ارمغان (عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد شهر ری)

چکیده

در دهه‌های اخیر، پدیده‌هایی چون: صنعتی شدن؛ تراکم جمعیت؛ امنیت؛ فشار ترافیک؛ از میان رفتن حس همسایگی؛ کاهش روابط خویشاوندی؛ کاهش عواطف اجتماعی؛ مهاجرت؛ حاشیه‌نشینی؛ تضاد؛ تجدد؛ و... کلان شهرها را پذیرای آسیب‌های اجتماعی بسیار کرده است.

آسیب‌های اجتماعی معلول عواملی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی است؛ قاچاق کالا نیز مستثنی از این معلول نمی‌باشد. قاچاقچیان فشارسنج‌های زنده‌ی جوامعی هستند که در وضع تنش‌آلودی قرار دارند. وضع آن‌ها زاینده‌ی برخی از پدیده‌های اجتماعی امروز است که می‌توان مهم‌ترین آن‌ها را شهرنشینی شتابان؛ رشد سریع جمعیت؛ اختلاف فاحش درآمدها؛ و عدم برنامه‌ریزی آمایشی برای یک سرزمین در حال تحول دانست و مهم‌تر از همه این‌که، رشد این پدیده را می‌توان در نابسامانی خانواده‌ها جست‌وجو نمود. علل نابسامانی خانواده‌ها نیز ناشی از سیاست‌های غلط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور است که بدون توجه به اخلاق و فرهنگ و روابط انسانی، اجرا می‌گردد. از طرفی فاصله‌ی طبقاتی؛ نبود درآمد کافی؛ توسعه‌ی ناهمگن و بدتر از همه، بدآموزی تربیتی؛ و عدم قانونمندی مملکت، همه و همه در نظام فکری و برنامه‌ریزی زندگی افراد یک جامعه اثر می‌گذارد و پایه‌های امید به زندگی را برای آنان سست می‌نماید.

در این پژوهش محله‌های توسعه‌نیافته‌ی شهری را معادل حاشیه‌نشینی می‌گیریم و به بررسی رابطه‌ی بین حاشیه‌نشینی و مشکلات آن‌ها به ویژه هنجارشکنی و مشاغل کاذب می‌پردازیم و به بررسی، تجزیه و تحلیل و رهنمود، پیرامون اثرات قاچاق کالا بر ویژگی‌های فرهنگی - اجتماعی حاشیه‌نشینی، آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی آنان با توجه به امکانات کاربردی اجرایی آن به منظور حل این معضل پرداخته و بر می‌شمریم.

واژه‌های کلیدی: حاشیه‌نشینی، قاچاق کالا، برنامه‌ریزی آمایشی، امنیت و فرهنگ.

مقدمه

بخش دردناک همیشگی و همراه شهرهای ایران، سایه‌ی معلول و دردسرافرینی به نام حاشیه‌نشینی؛ کپرنشینی؛ و زاغه‌نشینی بوده‌اند که چون بختکی، از یک سو محصول فضولات پالایش نشده‌ی اقتصاد نامتوازن شهری و فرهنگ فقر بوده، و از سوی دیگر خود صادرکننده‌ی فهرست ناهنجاری و کژمداری رفتاری به شهرها و شهری‌ها هستند.

رشد شتابان شهرنشینی و افزایش میزان مهاجرت روستاییان به شهرها، مسئله‌ی حاشیه‌نشینی و مسکن نامناسب را پدید آورده است. در اثر مهاجرت، ترکیب جمعیت شهرهای بزرگ به کلی جنبه‌ی طبیعی خود را از دست می‌دهد، مهاجرت‌های روستایی و رشد سریع شهرنشینی و ظهور حاشیه‌نشینی، کمبودها و مضایق زندگی شهری؛ هم‌چنین کمبود مسکن و نارسایی‌های آن همراه با رشد بی‌کاری و عدم اشتغال مناسب، زمینه‌ی جرم‌زایی و آسیب‌های اجتماعی را فراهم ساخته است.

حاشیه‌نشینی در ایران مولود توسعه‌ی برون‌زای کشور و محوریت یافتن شهر به عنوان کانون تحولات صنعتی، توسعه‌ی اقتصادی و نوسازی کشور است (پیران، ۱۳۸۰، ص ۳۱).

مناطق حاشیه‌نشین ضمن فقدان هویت فرهنگی، مظهر فرهنگ خاصی است که با سایر مناطق کاملاً فرق دارد؛ بدان‌گونه که: غیرمتجانس؛ بیگانه؛ و در عین حال دارای مفاسد اجتماعی همانند: اعتیاد؛ فحشا؛ فقر و فلاکت؛ دزدی؛ و تکدی بوده؛ و موجد و اشاعه‌دهنده‌ی سایر جرایم و بزه‌کاری‌ها و یا آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی شهری است. این محله‌ها علاوه بر مفاسد و آسیب‌های اجتماعی یاد شده، کانون‌های بدآموزی فرهنگی از سطوح خردسالان تا قاچاقچیان حرفه‌ای و یا جنایتکاران بین‌المللی است.

نکته‌ی قابل اهمیت این که در این برهه از زمان که مملکت ما در حال تحول اجتماعی و فرهنگی است، شناخت این ویژگی‌ها و آسیب‌شناسی مسائل فرهنگی مربوط به آن، از جمله نکاتی است که دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی مسائل فرهنگی را متقاعد می‌سازد تا

در رفع این مشکلات از طریق تخصیص محلات ویژه به افراد کم‌درآمد و فقیر و یا آوارگان و مهاجران شهر اقدام نمایند و با ایجاد شهرک‌های متصل و یا غیرمتصل برای مستضعفین بتوانند نیازهای اسکان و اشتغال این دسته از حاشیه‌نشینان را تأمین نمایند و از نظر پذیرش این طبقه، قابل توسعه نیز باشد؛ و به هر روی چنین شهرک‌هایی بهتر از هر زندان و ندامتگاه و یا اندرزگاهی است.

مفهوم حاشیه‌نشینی

حاشیه‌نشینی اصطلاحی است که به محله‌های مسکونی غیر متعارف و متداول شهری اطلاق می‌شود (ستوده، ۱۳۷۶، ص ۷۷).

حاشیه‌نشینی کسانانی هستند که در سکونتگاه‌های غیرمتعارف با ساکنان بافت اصلی شهر زندگی می‌کنند. (زاهدزاهدانی، ۱۳۵۵، ص ۲۶). گروه‌های مزبور بیش‌تر بر اثر نیروی دافعه‌ی خاستگاه چون فقر و بی‌کاری، و کم‌تر از آن، عوامل جاذب شهری از زادگاه خود، روستا، ایل یا شهر، رانده شده و به شهرها روی آورده‌اند. از آن جا که اکثریت این گروه‌ها بی‌سواد بوده و مهارت لازم را برای جذب در بازار کار شهر ندارند، عامل پسران شهری نیز آن‌ها را از شهر رانده و به حاشیه‌نشینی کشانده است.

خصوصیات مناطق حاشیه‌نشین

- تسلط فرهنگ فقر در منطقه و ایجاد خودفرهنگ‌های خاص این مناطق؛

- جدایی‌گزینی توده‌ای مردم روستایی از جامعه‌ی شهری؛

- گوشه‌گیری مردم منطقه از زندگی شهری؛

- مسکن فرسوده با تجهیزات ناقص. حاشیه‌نشینی به منظور امنیت، خود به فراهم آوردن منطقه‌ی اخلاقی- فرهنگی گرایش می‌یابد (سعیدی، ۱۳۸۶، ص ۲۶۳).

ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی

حاشیه‌نشینی

فرهنگ را عبارت از کلیه‌ی دستاوردهای مادی و معنوی بشر در طول تاریخ تعریف کرده‌اند. فرهنگ، بستر کلیه‌ی مناسبات و کنش‌های

متقابل بین افراد و گروه‌های اجتماعی را فراهم می‌نماید. فرهنگ ارزش‌ها و هنجارهای رفتاری و تفکری را برای نظم‌دادن جوامع و گروه‌ها تدوین، و بدین جهت الگوهای رفتاری متناسب را در حیات جوامع و گروه‌ها جاری می‌نماید. فرهنگ کارکردهایی را دارد که به واسطه‌ی این کارکردها نیازهای اجتماعی و فرهنگی افراد و گروه‌ها انتظام یافته و جواب داده می‌شوند. این کارکردها به طور خلاصه عبارت‌اند از:

۱. فرهنگ مثل یک «علامت ساخت» است که جوامع را از یک دیگر متمایز می‌سازد.

۲. فرهنگ ارزش‌های جامعه را به طرز کمی و بیش نظام‌مند تعبیر و تفسیر می‌کند.

۳. فرهنگ، اساسی‌ترین عامل هم‌بستگی اجتماعی است و الهام‌بخش وفاداری و فداکاری در راستای اهداف جامعه است.

۴. فرهنگ با ارائه‌ی الگوهای رفتاری، رفتار افراد و گروه‌ها را همساز می‌نماید.

۵. فرهنگ در تکوین و شکل‌بندی شخصیت اجتماعی سهم به‌سزایی را عهده دار است (نیک‌گهر، ۱۳۶۹، ص ۲۷۳).

در شناخت بیش‌تر حاشیه‌نشینان لازم است به نکاتی برای توجه بیش‌تر به وضعیت آن‌ها و چاره‌اندیشی برای جلوگیری از مسائل اجتماعی بالقوه‌ی این قشر، اشاره کرد.

۱) حاشیه‌نشینان معمولاً پیرامون مناطق فقیر نشین استقرار می‌یابند و عاملی برای توسعه‌ی فرهنگ فقر می‌شوند.

۲) حاشیه‌نشینان در عین حال که در میان خود از هم‌بستگی اجتماعی ضعیفی برخوردارند در مقابل تهدید منافعشان به صورت نیروی واحد و بسیار هم‌بسته‌ای عمل می‌کنند و از تنها موجودی خود، یعنی زندگی به صورت حاشیه‌نشینی با تمام قوا دفاع می‌کنند.

۳) حاشیه‌نشینان، جامعه و در نتیجه دولت را که نماد مدیریت جامعه است مسئول اصلی وضع خود می‌دانند و نکات ضعف خود را نادیده می‌انگارند و در برخورد با مأموران دولتی خصمانه برخورد می‌کنند.

۴) به جهت عدم برخورداری از

نمود. این مدل علی و معلولی شامل متغیرهای بیرونی و درونی و نیز متغیرهای وابسته است که متغیرهای مستقل بیرونی، شامل متغیرهای چهارگانه زیر است:

۱. متغیرهای فرهنگی
۲. متغیرهای اجتماعی
۳. حساسیت منطقه‌ی مورد

بررسی

۴. عوامل مرتبط با امنیت هم‌چنین متغیرهای وابسته، همان جرایم ناشی از قاچاق کالا است.

متغیرهای جمعیت‌شناختی، شامل متغیرهایی مانند: گروه‌های سنی، جنس، بی‌کاری، جوان‌گرایی، و ... است؛ متغیرهای اقتصادی نظیر: سطح درآمد اشتغال، فعالیت و ... می‌باشد؛ متغیرهای فرهنگی مانند: ویژگی‌های زبانی، قومی و نژادی است؛ و در نهایت متغیرهای اجتماعی هم‌چون: آداب و رسوم، امنیت، فقر، و هنجارهای جامعه است.

علاوه بر آن، متغیرهای حساسیت منطقه می‌تواند حضور درصد بالای قاچاقچیان کالا، حضور نیروهای بیگانه و .. باشد. این مجموعه عوامل، بر متغیر وابسته که همان جرایم است، تأثیر می‌گذارد.

آثار متقابل کالاهای قاچاق و حاشیه نشینی:

الف) نقش مناطق حاشیه‌ای بر قاچاق کالا و ارز:

جوان‌گرایی جمعیت با خصوصیات عاطفی و احساسی عمل کردن؛ ارجحیت هدف بر وسیله؛ و به دست آوردن آن هدف در زمان کوتاه، یکی از ویژگی‌های جمعیت مورد بررسی است. این خصیصه همراه با شاخص بی‌کاری، پایین بودن سطح درآمد در مقایسه با نرخ تورم و گرانی؛ هم‌چنین افزایش هزینه‌های جانبی و اساسی زندگی به ویژه مسکن و اجاره‌نشینی از متغیرهای مستقل بیرونی هستند که گرایش به «روی آوردن به قاچاق کالا و موارد دیگر» را تا حدودی فراهم می‌نماید.

با توجه به نمودار شماره ۱ در می‌یابیم که بین دو متغیر، ارتباط متقابل وجود دارد، به این معنی که با افزایش جمعیت، سطح درآمد‌ها کاهش می‌یابد و در صورت عدم



مناطق مرزی؛

۵. ترغیب به قاچاق مواد مخدر.

پیامد تفاوت‌های فرهنگی مناطق حاشیه‌ای با سایر مناطق

تفاوت‌های فرهنگی، قومی و مذهبی مناطق حاشیه‌ای با مناطق داخلی کشور از ویژگی‌های نسبتاً عمومی و جهان‌شمول با سایر مناطق است. این تفاوت‌ها پیامد‌های زیر را به دنبال دارد:

- گسستگی در وحدت ملی و انسجام کشور؛
- فراهم‌شدن امکان نفوذ فرهنگ مخالف وحدت ملی در مناطق حاشیه‌ای؛
- واگرایی نسبت به داخل، و هم‌گرایی نسبت به خارج، که باعث کاهش ضریب امنیت می‌گردد؛
- عقب‌ماندن از روند توسعه و برنامه‌های توسعه‌ی کشور، که باعث ضعف بنیان‌های اقتصادی و فرهنگی منطقه خواهد شد (شریف‌نژاد، ۱۳۸۶، ص ۱۴۳).

در سال‌های اخیر، مطالعات و پژوهش‌های بسیاری در این زمینه انجام شده است؛ اما به دلیل عدم توجه به بعد فرهنگی و اجتماعی و کیفی مسأله، نتوانسته است به طور احسن چارچوب این معضل را تبیین نماید. در این‌جا می‌توان از یک مدل نظری با متغیرهای مهم کمی و کیفی استفاده

امکانات و خدمات شهری، روحیه‌ی تضاد و مبارزه‌ی منفی به سهولت در بین حاشیه‌نشینان شهری شکل می‌گیرد و این احساس در بین نسل دوم یعنی فرزندان آن‌ها که در شرایط حاشیه‌نشینی متولد و بزرگ شده‌اند، به مراتب بیش از پدران و مادران آن‌ها بروز می‌کند به همین دلیل گذشت زمان در همین مورد نه تنها چاره‌ساز نیست، بلکه بر پیچیدگی آن می‌افزاید.

ابعاد فرهنگی قاچاق کالا

تجارت غیر رسمی یا قاچاق، یکی از مشخص‌ترین آثار بیمارگونه‌ی فرهنگی در نواحی حاشیه‌ای است که صرفاً به دلیل فقر و فقدان هماهنگی میان مردم منطقه، بی‌ثباتی، و اختلاف در سطح قیمت‌ها، هم‌چنین ضعف عوامل اجرایی به وجود آمده است (فرهنگ آذر، ۱۳۸۶، ص ۲۲۸).

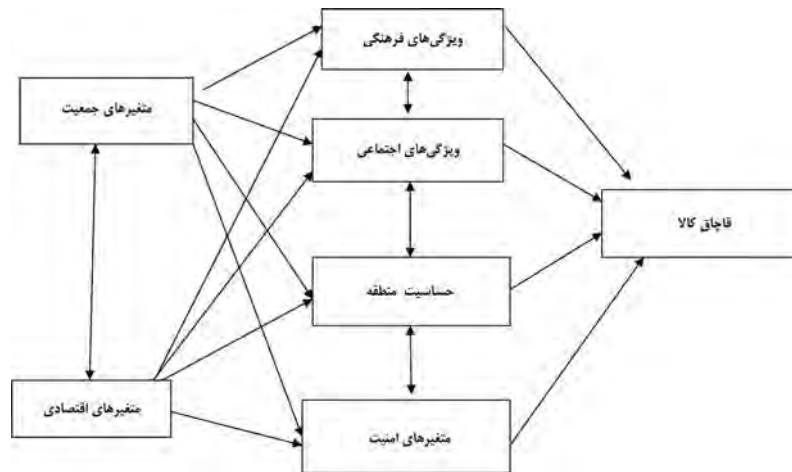
بنابراین در این شرایط باید انتظار داشت که فقرا برای تطبیق‌پذیری، رفتارهای غیر قانونی بیش‌تری برای پاسخ‌گویی تقاضاها و رفع نیازهای ضروری خود انجام دهند (عبداللهی، ۱۳۷۸، ص ۱۲۷).

نتایج، گویای آن است که مهم‌ترین عامل تأثیر گذار بر وقوع و افزایش قاچاق کالا، چربیدن ریسک و به خطر انداختن خود در قبال وارد کردن کالاهای غیر قانونی و غیر مشروع می‌باشد. موقعی که این متغیر را با متغیر ویژگی‌های فرهنگی در ارتباط می‌گذاریم، تأثیر آن بیش‌تر خواهد شد؛ به عبارت دیگر متغیر اقتصادی، همراه با متغیر فرهنگی، تأثیر بیش‌تری بر ایجاد و یا عدم ایجاد قاچاق کالا دارد؛ به این معنی که متغیر فرهنگی، افراد را به این سمت، سوق می‌دهد (ملایی، ۱۳۸۶، ص ۱۷۲).

آثار فرهنگی قاچاق کالا

۱. افزایش خطر ریسک‌پذیری در قبال واردات قاچاق؛
۲. افزایش روحیه‌ی تخلف و فرار از قانون؛
۳. افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی؛
۴. تضعیف فرهنگ کار و تلاش در

تأثیر و تأثر متغیرهای مستقل بیرونی و درونی بر قاچاق



محلی: باید از حاشیه نشینان در زمینه های حقوقی، اداری، اجتماعی و فرهنگی حمایت و پشتیبانی شود تا از قدرت کافی برای حضور همه جانبه برخوردار گردند و بتوانند ایفاگر نقش محوله باشند. استمرار و مداومت: مشکلات و مسائل اجتماعی به طور دائم و مستمر به اشکال مختلف و متناسب با شرایط و مقتضیات بروز می نماید. به طوری که سازمان ها به تنهایی قادر به حل آن نمی باشند. در این راستا بایستی ضرورت حضور مردم محلی به عنوان یک جریان مداوم و مستمر تلقی گردد و در جریان زمان تقویت و تکامل یابد تا بتواند باعث ایجاد ظرفیت ها و قابلیت های محلی شده و امکان استفاده و توجه به دانش بومی را فراهم نموده و اجرای برنامه ها را تسهیل نماید

راهکارهای فرهنگی

اگر حاشیه نشینان از فرهنگ پایینی برخوردار باشند و الگوهای رفتاری رایج در جامعه ی آن ها، الگوهای نابهنجار و خلاف قانون و عرف جامعه ی عمومی آن کشور باشد، بدیهی است قانون شکنی و اختلال در امنیت محل سکونت آن ها رواج پیدا می کند از این رو راهکارهای زیر و کاربست آن ها می تواند راه گشای این پدیده ی پیچیده، و درمان گر این بیماری اقتصادی اجتماعی و فرهنگی باشد (ایمانی حسنلویی، ۱۳۸۶، ص ۴۳).

- تقویت فرهنگ و هویت ملی مبتنی بر ارزش ها و انقلاب و نظام جمهوری اسلامی، و ایجاد هم بستگی ملی، هم چنین آگاهی بخشی لازم در رابطه با تاریخ ایران، و نیز فرهنگ، تمدن و هنر ایران اسلامی؛

- روشنگری و اطلاع رسانی جامع و کامل به مردم، در خصوص اهداف پنهان دشمن، و نیز ایجاد اختلافات قومی در شهرهای مرزی در جهت از بین بردن بسترهای تحریک و اختلاف؛

- جلوگیری از بزرگ نمایی مشکلات و تحریک قومیت ها، توسط سودجویان و سوداگران؛

- تقویت خودباوری فرهنگی و ایجاد اعتماد به نفس، از طریق رسانه های جمعی به ویژه رادیو و تلویزیون.

- مبارزه با ریشه های تاریخی و فرهنگی تبعیض آمیز، در بین قومیت های مختلف؛

را ضعیف و جامعه ی دیگری را قوی پنداشتن)؛

- تضعیف نهادهای اجتماعی؛

- تجمل گرایی؛

- مد شدن نقد در همه چیز و در خصوص همه کس.

توجه به اصل مشارکت در مبارزه با قاچاق کالا:

بر این اساس مشارکت واقعی مردم هنگامی میسر است که با حاشیه نشینان، به مثابه انسان هایی بالغ و آگاه به امور خویش رفتار شود زیرا برای رسیدن به سطح مناسبی از سلامت اجتماعی، مشارکت واقعی و همه جانبه افراد و گروه های اجتماعی، از مشارکت در تصمیم گیری تا برنامه ریزی و اجرا و در نهایت ارزشیابی برنامه و سهیم شدن منافع، ضروری است و همکاری و مشارکت عملی در فرایند کنترل آسیب های اجتماعی مستلزم توجه به موارد زیر است:

۱. حساس سازی و آگاه سازی: اولین گام برای جلب مشارکت حاشیه نشینان، حفظ منزلت ساکنان محلی و باور این نکته است که آن ها بالقوه توانا هستند. هر چند در شرایط زیست نامناسبی قرار دارند. بنابراین حساس سازی آنها از مسائل عام محلی و ارتقای کیفیت زندگی جمعی و سپس آگاه سازی آنها از وضعیت و چگونگی رشد و توسعه محلی هم حق ساکنان است و هم بر اعتماد به نفس آنان برای حضور فعال و مشارکت واقعی می افزاید.

۲. پشتیبانی و حمایت از مشارکت

وجود برنامه ریزی و افزایش فقر، بزه کاری و گرایش به فعالیت های غیر قانونی افزایش می یابد.

از میان عوامل مربوط به جمعیت، سه عامل سن، شهرنشینی و مهاجرت، معمولاً با مقدار بزه کاری یک اجتماع هم بسته هستند و از میان عوامل فرهنگی، دو عامل سواد و برخورداری از امکانات تفریحی و ورزشی می تواند در کاهش یا افزایش جرایم، بیش تر باشد (اجلایی، ۱۳۸۳).

عوامل عمده ی افزایش قاچاق کالا در مناطق حاشیه ی شهرها عبارتند از:

- عدم وجود فرهنگ قانون مداری؛

- عدم کنترل؛

- ناکار آمدی نظام قضایی؛

- عدم امنیت شغلی؛

- سرخوردگی اجتماعی و فقر؛

- ضعف مدیریت اجرایی؛

- سیاست های اجتماعی و اقتصادی تک محوری؛

- عدم برنامه ریزی در ایجاد مسکن.

به میزان دور شدن از مرکز، این عوامل شدت بیش تری می یابند (هریسی نژاد، ۱۳۸۳، ص ۵۷).

ب) دستاوردهای فرهنگی قاچاق کالا در مناطق حاشیه ای:

- افزایش فاصله ی طبقاتی (در سایه ی قاچاق کالا در مرزها)؛

- عصیان جوانان (در سایه ی ارائه ی الگوهای جدید)؛

- فرار از اجتماع (جامعه ی خودی

- به دلیل محدودیت منابع برای تمرکززدایی و توجه یکسان به توسعه‌ی همه‌ی مناطق، از طریق نیازسنجی و بسیج اهالی هر منطقه، مشارکت در برنامه ریزی اجرا شود تا افراد احساس تعلق بیش‌تری به محیط و تعاملات خود در محیط داشته باشند و از مصادیق قانون‌گریزی کاسته شود.

- فقر فرهنگی مانند داشتن خانواده‌ی ناقص و یا کم‌سواد، نقش عمده‌ای در روی آوری به ناهنجاری‌ها از جمله قاچاق کالا دارد.

- توجه به مسأله‌ی قاچاق کالا به عنوان یک آسیب اجتماعی و فرهنگی، با سایر پدیده‌های اجتماعی همچون: بی‌کاری، نابرابری رتبه‌ای، فقر و محرومیت؛ تعرض جنسی؛ مذهبی، ارتشا و اختلاس، مرتبط است. ■

منابع:

- ۱- اجلائی، پرویز؛ **پرخاشگری و خیانت**؛ انتشارات آب؛ ۱۳۸۳.
- ۲- ایمانی حسنلوئی، مهدی؛ **اتحاد ملی**، مسأله‌ی قومیت‌ها؛ **مجموعه مقالات مرز**؛ ۱۳۸۶.
- ۳- پیران، پرویز؛ **شهرنشینی شتابان و ناهمگون؛ اطلاعات سیاسی، اقتصادی**؛ شماره‌ی ۱۴؛ سال ۱۳۶۴.
- ۴-؛ **تحلیل جامعه‌شناسی از مسکن شهری در ایران**، اسکان غیر رسمی، انجمن جامعه‌شناسی؛ شماره‌ی ۶؛ ۱۳۸۰.
- ۵- زاهد زاهدانی، سید سعید؛ **حاشیه‌نشینی شهر کرمان**؛ تهران؛ دفتر مطالعات ناحیه‌ای؛ سازمان برنامه و بودجه؛ ۱۳۵۵.
- ۶- ستوده، هدایت‌الله؛ **آسیب‌شناسی اجتماعی**؛ انتشارات آوای نور؛ ۱۳۷۶.
- ۷- سعیدی، علی اصغر و اسماعیل‌زاده، خالد؛ **نقش بازارچه‌های مرزی در تأمین امنیت مناطق مرزی**، همایش مرز، نیروی انتظامی استان آذربایجان غربی؛ ۱۳۸۶.
- ۸- شریف‌نژاد، جواد؛ **تأثیر توسعه‌ی اقتصادی بر امنیت مرزها**؛ همایش مرز؛ نیروی انتظامی استان آذربایجان غربی؛ ۱۳۸۶.
- ۹- عبدالهی، محمد؛ **موانع قانون‌گرایی در ایران**، نشریه‌ی فرهنگ عمومی؛ شماره‌ی ۲۰؛ ۱۳۷۸.
- ۱۰- فرهنگ آذر، میر جعفر؛ **صیانت از مرزهای کشور جمهوری اسلامی ایران با رویکرد سیاسی و اقتصادی**، همایش مرز؛ ۱۳۸۶.
- ۱۱- ملایی، کامبیز؛ **مرز و امنیت آن بر جرایم**، از دیدگاه جامعه‌شناسی انحرافات، همایش مرز؛ نیروی انتظامی استان آذربایجان غربی؛ ۱۳۸۶.
- ۱۲- نیک گهر، عبدالحسین؛ **مبانی جامعه‌شناسی**، نشر رایزن؛ سال ۱۳۶۹.
- ۱۳- هریسی‌نژاد، کمال الدین؛ **مسائل و جرایم مالی - اقتصادی و سرقت**، انتشارات آگاه؛ ۱۳۸۳.

اطراف شهرهای بزرگ در می‌آیند. گرانی مسکن، گسترده‌تر شدن فقر و افزایش بی‌کاری، روزبه‌روز گسترده‌تر می‌شوند. این محلات، فقرزده و آلوده هستند و در آنها جرم و جنایت، فحشا و استعمال و فروش مواد مخدر بسیار شایع است. برخی از ساکنان این محلات برای رهایی از بی‌کاری و فقر به مشاغل کاذب روی می‌آورند. اما این مشاغل کاذب به جای درمان بیماری محلات توسعه‌نیافته، به مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهری افزوده است. محلات توسعه‌نیافته‌ی شهری بیانگر بحران اقتصادی، بحران شهرنشینی و بی‌ثباتی فرهنگی هستند. درمان این بیماری در گرو در پیش گرفتن یک برنامه‌ی همه‌جانبه است که سبب ایجاد تعادل بین درآمد و هزینه‌های زندگی شهروندان، ایجاد کار مفید؛ بازسازی اقتصادی؛ و پیدا کردن راهکار مناسب در برابر مهاجرت‌های بی‌رویه است.

پیش‌نهادهای

- نهادینه کردن فرهنگ و توسعه‌ی فرهنگ شهروندی در جامعه‌ی ایران با توجه به پتانسیل‌های موجود در ساختار در حال‌گذار آن با رهیافت آموزش با شیوه‌های مختلف، قابل دست‌رسی است. هنگامی که افراد جامعه، فرهنگ جامعه را درونی می‌نمایند و نسبت به محاسن و منافع آن آگاهی داشته باشند، در این صورت حاضرند بسیاری از خواسته‌های خود را محدود کنند تا سایر افراد، زندگی راحتی داشته باشند. بنابر این تقویت دیگرخواهی و آموزش آن، پیوندی ناگسستنی با فرهنگ دارد.

- توسعه‌ی فرهنگی و فرهنگ شهروندی در پیش‌گیری از اعمال قانون‌گرایانه اهمیت به‌سزایی دارد؛ بنابر این لازم است تا از طریق فعال‌سازی انجمن‌های محلی و تشکل‌های غیر دولتی با حمایت سازمان ملی جوانان و کانون‌های فرهنگی مساجد، این توسعه‌ی فرهنگی انجام شود.

- قانون‌گریزی بر اساس خنثی‌سازی، تشدید می‌شود. با اطلاع‌رسانی رسانه‌ای می‌توان موارد قانون‌گریزی و پیامدهای آن را برای افراد از طریق شبکه‌های محلی گزارش نمود تا پیامدهای منفی قانون‌گریزی بیش از پیامدهای مثبت، جلوه نماید.

- تقویت مبانی هویت دینی و فرهنگ اسلامی برای مقابله با تهاجم فرهنگی بیگانگان به فرهنگ خودی؛

- تقویت ارزش‌های دینی و اخلاقی با احیای حساب‌شده‌ی گروه‌های اجتماعی و تشکل‌های مذهبی در قالب‌های صنفی، محله‌ای، شهری؛

- تقویت میزان مشارکت گروه‌ها و مردم در حیات فکری و فرهنگی جامعه؛

- تبیین آرمان‌ها و اهداف کلان فرهنگی، هم‌چنین طراحی سیاست‌ها و راهبردهای مربوط؛ به طوری که فرهنگ بتواند برنامه‌های بلند مدت و کوتاه مدت برای الگودهی متناسب داشته باشد؛

انسجام نهادها و مراکز تصمیم‌گیری کلان فرهنگی برای برنامه‌ریزی‌های بلند مدت و کوتاه مدت؛

- تبیین و تأکید بر مبانی انسان‌شناختی دین مبین اسلام، هم‌چنین احترام شخصیت انسانی، تکریم قومیت‌ها و گروه‌های خاص، و نیز توجه دادن افکار عمومی به تکریم شخصیت انسان‌ها.

نتیجه‌گیری

رابطه‌ی نزدیکی بین فقر، هنجارشکنی و مشاغل کاذب وجود دارد. فشارهای اقتصادی، بی‌کاری و درآمد‌های پایین، باعث گسترش محلات توسعه‌نیافته‌ی شهری می‌شود. این محلات دارای فرهنگ خاص خود هستند که برخی از پژوهشگران از آن به عنوان «فرهنگ فقر» یاد می‌کنند. فرهنگ فقر باعث احساس درماندگی، ناامیدی و تمایل به هنجارشکنی می‌شود. مشکلات اقتصادی باعث می‌شود که بخشی از بدنه‌ی اجتماع از آن کنده شود و به زندگی حاشیه‌نشینی روی آورد. این محلات اخلاق خاص خود را دارند. در آن‌ها خشونت، فقر، فساد و فحشا بسیار زیاد است. فرآیند گسترش محلات توسعه‌نیافته‌ی شهری بدین صورت است که مهاجران روستایی و شهرهای بزرگ در جست‌وجوی امکانات بهتر در حاشیه‌ی شهرهای بزرگ، آشیانه‌ی خود را احیا می‌کنند. فقرای شهری نیز به خاطر گرانی مسکن، بی‌کاری و عدم توازن بین درآمد و مخارجشان به گروه اولیه می‌پیوندند. بدین ترتیب محلات توسعه‌نیافته‌ی شهری روزبه‌روز بزرگ‌تر می‌شوند و به صورت کمربندهای فقر در